

بسمه تعالی

تاریخ امتحان : ۱۹ / ۱۰ / ۱۴۰۱

ساعت شروع : ۸/۵ صبح

مدت امتحان : ۷۰ دقیقه

اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران

اداره آموزش و پرورش شهرستان بهشهر

مدرسه غیردولتی خوارزمی - متوسطه دوم

سؤالات امتحان داخلی درس : فلسفه

نام :

نام خانوادگی :

نام پدر :

نام دبیر : هانیه مهدوی مقطع و نام کلاس : یازدهم انسانی نوبت: دی ماه ۱۴۰۱ تعداد کل سؤالات: ۱۸ صفحه ۱

ردیف	سؤال	بارم نمره
------	------	-----------

جاهای خالی را با عبارات مناسب پر کنید.

۵	<p>۱. فیلسوفیا مرکب از دو کلمه‌ی فیلو به معنای و سوفیا به معنای است.</p> <p>۲. از نظر ملاصدرا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها، فطرت نام دارد.</p> <p>۳. دانشمندان زمان سقراط خود را یعنی می خواندند.</p> <p>۴. تالس عقیده داشت اولین عنصر و پایه و اساس چیزهاست.</p> <p>۵. شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه‌ی اوست؛ اولی و دومی است.</p> <p>۶. از نظر سقراط دانای حقیقی است.</p>	
---	---	--

به سوالات زیر پاسخ تشریحی دهید.

۷	تفکر فلسفی و تفکر غیر فلسفی را تعریف کنید.	۱
۸	مکتب اصالت فرد و اصالت جامعه در علوم اجتماعی را تعریف کنید.	۲
۹	چرا به فلسفه علم، فلسفه هنر، فلسفه اخلاق و... فلسفه‌های مضاف می‌گویند؟	۱
۱۰	دو ویژگی از مهم‌ترین ویژگی‌های فیلسوف واقعی را بنویسید.	۱

نمره ورقه	با عدد	نمره با تجدید نظر	با عدد
	با حروف		با حروف
نام و نام خانوادگی دبیر :		نام و نام خانوادگی دبیر :	
تاریخ و امضاء		تاریخ و امضاء	

ردیف	سؤال	صفحه ۲	بارم نمره
۱۱	هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست؟ و در کدام کتاب خود آن را مطرح می‌کند؟		۱/۵
۱۲	کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می‌گیرد؟		۱
۱۳	مهد تفکر فلسفی کجاست؟ چرا؟		۱/۵
۱۴	جامعه‌ی آتن در زمان سقراط متاثر از چه اندیشه‌هایی بود؟ و عقیده‌ی آن‌ها چه بود؟		۱
۱۵	روش سقراطی چگونه روشی بود؟		۱
۱۶	پیام سروش دلفی چه بود؟		۱
۱۷	عقیده‌ی گرگیاس را درباره‌ی شناخت و امکان معرفت بنویسید.		۱/۵
۱۸	آیا شناخت انسان به محسوسات محدود است؟ توضیح دهید.		۱/۵
	جمع نمرات		۲۰
موفق باشید /// مهدوی			

بسمه تعالی

تاریخ امتحان: ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۱۹

اداره آموزش و پرورش شهرستان بهشهر

نوبت امتحان: دی ماه ۱۳۹۰

راهنمای تصحیح

سئوالات امتحان داخلی درس: فلسفه

پایه: یازدهم

ردیف	پاسخ	بارم نمره
	۱ دوستداری-دانایی	
	۲ فطرت اول	
	۳ سوفیست-دانشمند	
	۴. آب	
	۵ وحدت اضداد- تغییر و تحول دائمی جهان	
	۶. خدا	
	(ب)	
	۷ - تا زمانی که انسان با همان سوال‌های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، در مرحله‌ی اول تفکر قرار دارد که می‌توان آن را تفکر غیرفلسفی نامید. اما اگر انسانی از این مرحله‌ی تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سوال‌های دسته‌ی دوم پرداخت، وارد مرتبه‌ی دوم تفکر شده که می‌توان آن را تفکر فلسفی نامید.	
	۸ گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که کنار هم زندگی می‌کنند؛ این گروه طرفدار مکتب اصالت فرد هستند.	
	دیگر فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است؛ این گروه پیرو مکتب اصالت جامعه هستند.	
	۹. زیرا کلمه‌ی فلسفه به کلمه‌ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند فلسفه‌ی فیزیک	
	۱۰ فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه‌ی خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. او درباره‌ی استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آن‌ها را می‌پذیرد.	
	۱۱. او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. این تمثیل در کتاب جمهوری افلاطون آمده است.	
	۱۲ - فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درست‌تیز حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند	
	۱۳ نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه‌ی فلسفی در آن‌ها غلبه	

داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است، به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند.

۱۴ - جامعه‌ی آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته‌ی ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد.

۱۵- سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، بر می‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید: دوستی چیست؟ یا شجاعت چیست؟؛ وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سوال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش‌وپاسخ به روش سقراطی شهرت یافت.

۱۶ - داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند. (هیچ‌کس داناتر از سقراط نیست)

۱۷ - اولاً چیزی وجود ندارد. ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

۱۸ - خیر- گاهی به مسائلی فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی فکر می‌کنیم؛ مثلاً درباره‌ی گذشته و آینده، یا درباره‌ی موجودات نامحسوس و جهانی غیراز جهان مادی می‌اندیشیم و برای خود نظر و باوری هم داریم.

